

مطالعه و بررسی آماری آثار و تبعات ازدواج کودکان از منظر جرم‌شناسی

اجتماعی

مجتبی کنجوری^{۱*}

نسترن ارزانیان^۲

محمدجواد حیاتی^۳

هادی الیاسی خطبه سرا^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج در سنین کودکی پدیده‌ای شوم و ناگوار است که از طرفی کودک را از چشیدن طعم شیرین کودکی محروم کرده و از سوی دیگر زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی و فردی متعدد را پدید می‌آورد. کودک همسری افزون بر آثار نامطلوب فردی و اجتماعی؛ محتمل است که منجر به بروز جرایم مختلف خانوادگی، قتل‌های ناموسی، سوء استفاده جنسی و معذالک گردد که بر این اساس، ضرورت براین است تا قانونگذار در جهت رفع این بحران، اقدامات مقتضی را انجام دهد. اقدامات متعددی در جهت زدودن کودک همسری، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، ایضاً در رویه‌های بین‌المللی، صورت پذیرفته؛ لکن طرح این اقدامات، تاکنون نتیجه مطلوبی به همراه نداشته است.

روش: شایان توجه است که حسب آمار مرکز آمار ایران بطور سالانه، تعداد روزافزون ازدواج کودکان، در قلمرو جمهوری اسلامی ایران ثبت می‌گردد که در این پژوهش، سعی بر این است تا با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و نیز تکیه بر آمار و اطلاعات موجود در این زمینه، کتب و مقالات حاضر؛ ژرفای این بحران تشریح و النهایه راه حلی در رابطه با اتخاذ سیاست مطلوب ارائه گردد.

یافته‌ها: تحلیل متغیرهای جمعیت شناختی حکایت از آن دارد که براساس آمار رسمی، ۵ درصد ازدواج‌های کشور در سن پایین رخ داده و عمده آن‌ها در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و در همه استان‌های

۱- دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران و مدرس دانشگاه mojtabakanjori1373@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲- دانش آموخته کارشناسی مقطع کارشناسی ارشد حقوق حمل و نقل تجاری دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دادیار تحقیق و مسئول دفتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، arzanian72@gmail.com.

۳- دانش آموخته کارشناسی مقطع ارشد حقوق خصوصی دانشگاه غیرانتفاعی مفید قم و قاضی دادگستری، hayatilaw1370@gmail.com.

۴- دانشجو مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و کارآموز قضاوت، helyasi15@gmail.com.



کشور نیز مشاهده شده است. براساس نتایج حاصله از این بررسی، پیرامون پیامدها و آثار موضوع از جهات: میزان طلاق، ترک تحصیل، بارداری و مرگ و میر کودکان و مادران، رضایت جنسی، خشونت خانگی، وضعیت گروه سنی یاد شده، نسبت به سایر گروه‌های سنی غیر عادی و بعضاً بحرانی است. جهت برون رفت از این بحران، پیشنهاداتی نظیر تغییر قوانین در راستای، ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده و جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل دختران متأهل در مدارس در این پژوهش ارائه شده است. کلمات کلیدی: کودک همسری، حقوق بنیادین، حداقل سن، سیاست کیفری.

مقدمه

کودک همسری به عنوان پدیده‌ای شوم و ناگوار سالیان زیادی است که در کشور ما وجود دارد وانگهی تاکنون تلاش مستمری برای کنترل آن صورت نپذیرفته است. بیشترین فراوانی ازدواج دختران در کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال با ۱۹۶ هزار و ۵۲۹ مورد و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۰۴ هزار و ۲۰۲ مورد قرار دارد. براساس آخرین پیمایش‌های ملی انجام شده، مناسب‌ترین سن برای ازدواج از نظر اکثر پاسخ دهندگان (۴۷ درصد) ۱۶ تا ۲۰ سال اعلام شده است (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۹۴). با این حال برخی تحقیقات محلی به سن ۲۰ تا ۲۳ سالگی به عنوان سن مناسب برای ازدواج دختران اشاره نموده‌اند (حسن زاده، ۱۳۹۰). در عین حال، با توجه به گزارش مرکز آمار در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، میانگین سن در اولین ازدواج زنان در نقاط شهری ۲۳/۴ و در مناطق روستایی ۲۲ سال برآورد شده و این شاخص برای مردان در نقاط شهری ۸/۲۷ و در مناطق روستایی ۵/۲۶ سال می‌باشد.

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سه دهه اخیر شاهد افزایش میانگین سن ازدواج برای هر دو جنس هستیم که این افزایش در زنان چشمگیرتر از مردان بوده است (ارحامی، مرتجی، ۱۳۹۵). همچنین طی سالیان گذشته سن ازدواج زنان در روستاها نیز افزایش چشمگیری داشته و براساس این هرچند در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر نیز ثبت ازدواج وجود داشته است، اما به طور کلی آمار و گزارش‌ها، حکایت از آن دارد که سن ازدواج رو به افزایش است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). به گونه‌ای که میانگین سن ازدواج زنان در کشور ۲۳ سال اعلام شده، لکن به سبب وجود واریانس بالا این میانگین نمی‌تواند مبنای درستی برای قضاوت باشد.

در بازه زمانی پنج سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر، به‌طور میانگین، سالیانه ۴۰ هزار ازدواج به‌طور قانونی ثبت شده است. جدول زیر وضعیت این ازدواج‌ها را به خوبی نشان می‌دهد:



سال	کل ازدواج‌های ثبت شده در سال	ازدواج‌های ثبت شده گروه ۱۴ سال و کمتر (زوجه)	درصد تغییرات نسبت به سال قبل	درصد ازدواج این گروه سنی به کل ازدواج‌ها
۱۳۹۱	۸۲۹,۹۶۸	۴۰,۶۵۱	۲/۱	۴/۹
۱۳۹۲	۷۴۴,۵۱۳	۴۱,۴۳۷	۱/۹	۵/۳
۱۳۹۳	۷۲۴,۳۲۴	۴۰,۴۰۴	-۲/۵	۵/۶
۱۳۹۴	۶۸۵,۳۵۲	۳۷,۱۱۷	-۸/۱	۵/۴
۱۳۹۵	۷۰۴,۷۱۶	۳۹,۲۷۹	۵/۸	۵/۶

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.

جدول ۱. وضعیت ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر در پنج سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵^۱

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ ازدواج در سنین پایین حسب سن زوجه ۴/۹ تا ۵/۶ درصد از کل ازدواج‌های ثبت شده در کشور را به خود اختصاص داده است. با عنایت به داده‌های آماری در پنج سال اخیر ازدواج‌های ثبت شده در گروه جمعیتی سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال، دختران ۱۴ سال و کمتر، دارای نوساناتی بوده است.

به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱ روند صعودی ۲ درصدی داشته و در سال ۱۳۹۲ تغییر چندانی نکرده است، لکن در سال ۱۳۹۳ با نرخ ۵/۲- روندی کاهنده داشته که این سیر نزولی در سال ۱۳۹۴ نیز به چشم می‌خورد. اما در سال ۱۳۹۵ بار دیگر روند صعودی را طی نموده است. طبق این آمار، ازدواج در این گروه سنی روند افزایشی نداشته و با آهنگی کند دارای نوسان است. با این حال باید این نکته را در نظر گرفت که احتمالاً به جهت محدودیت‌های قانونی، فرهنگ عمومی و همچنین مناطق جغرافیایی که چنین ازدواج‌هایی در آن شایع است، آمار واقعی چنین ازدواج‌هایی بیش از آمار رسمی موجود می‌باشد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که این ازدواج بیشتر در بین جمعیت اتباع غیرایرانی روی می‌دهد و در تمام استان‌های کشور دارای پراکندگی است.

آمارهای موجود از ازدواج‌های ثبت شده در گروه سنی ۱۴-۱۰ سال، ۳۹ هزار و ۴۵ مورد و در گروه سنی زیر ۱۰ سال ۲۳۳ مورد می‌باشد که نشان می‌دهد، داشتن حداقل سن ۱۰ سال در موضوع سن ازدواج در جامعه نیز رعایت می‌شود.

^۱ سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.



پیشینه تحقیق: با توجه به مطالعاتی که نگارنده در مورد پدیده کودک همسری از منظر حقوق کیفری ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی داشته است؛ تحقیق مستقلی در این زمینه یافت نشد. البته برخی تحقیقات وجود دارند که می‌توان از آن‌ها به عنوان پیشینه این پژوهش یاد کرد. برخی از این تحقیقات عبارتند از:

محمد مهدی مقدادی در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن» در فصلنامه حقوق پزشکی (۱۳۹۶) بذ این است که مهمترین امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات، استعداد رشد و کمال اوست، لیکن این مزیت نیازمند آن است که والدین در ایفای مسئولیت خویش در قبال فرزندان و در تمامی مراحل رشد آنان به درستی عمل کنند و شرایط مساعد و امکانات کافی برای آنان فراهم آورند.

در این میان سن مناسب برای ازدواج بسیار مهم و تأثیرگذار است، چه اینکه برای زندگی زناشویی، صلاحیت و آمادگی جسمی، روانی و اجتماعی لازم است. متأسفانه به بهانه‌ها و توجیهاات مختلف، ازدواج‌های زود هنگامی رخ می‌دهد که اغلب دربردارنده آزار، بهره‌کشی و خشونت علیه کودکان و تعارض‌های جدی با حقوق آنان است، به ویژه اینکه چنین ازدواج‌هایی اغلب اجباری و بدون رضایت طرفین منعقد می‌شود؛ بی‌گمان طفل یا نوجوان درگیر در این فرآیند، قادر به درک گزینه‌ها و فرصت‌های بیشتر و بهره‌مندی از حقوق و شرایط بهتر نیست. نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که با وجود ویژگی‌های بارز کودکی در رابطه زناشویی و عدم آموزش و آگاهی‌های اجتماعی لازم می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود. از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به بیماری‌های جسمی، روحی و روانی، افزایش حاملگی و زایمان زودرس و... شود. از این رو ارتقای آگاهی‌ها و پیش‌بینی تکالیف و تعیین مجازات‌های مناسب، چنین پدیده‌ای را محدود ساخته و امکان بروز چنین پیامدهای ناگواری را کاهش می‌دهد.

کامیل احمدی در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت بازنگری و افزایش سن ازدواج کودکان در قوانین ایران» در فصلنامه مطالعات حقوق (۱۳۹۷) بیان می‌کند که ازدواج یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که نقش حساسی بر تمام ابعاد زندگی انسان دارد و داشتن آمادگی لازم از نظر جسمی و روانی و اجتماعی برای آن ضروری است. به همین دلیل در قوانین حقوقی بسیاری از کشورهای جهان، حداقل سنی برای آن در نظر گرفته شده است. حداقل سن پذیرفته شده برای ازدواج بر اساس مفاد کنوانسیون‌های حقوق کودک و حقوق بشر ۱۸ سال می‌باشد که دارای مقبولیت جهانی است. در صورتی که حداقل یکی از زوجین زیر این سن



باشند، پدیده ازدواج زودهنگام یا کودک همسری اتفاق افتاده است. کشور ایران از جمله کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک است اما شرط حداقل سن را رعایت نمی‌کند و براساس قوانین رسمی کشور، حداقل سن ازدواج ۱۳ سال برای دختران - با مصلحت دادگاه زیر ۱۳ سال- و برای پسران ۱۵ سال است. میراث این قانون ناقص، رواج کودک همسری در ایران است. گسترش طلاق و کودک بیوهگی، افسردگی، خودکشی، فرار، روسپیگری، اعتیاد، محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، زنانه شدن فقر و گسترش انحرافات اجتماعی از نتایج ازدواج زود هنگام می‌باشد. باوجود مطالبه مکرر جامعه مدنی و فعالان اجتماعی، معضل ازدواج زودهنگام از سوی دولت مسکوت مانده است و گام مؤثری برای مقابله با آن برداشته نشده است. از مهمترین علل ازدواج زودهنگام در ایران، حمایت قانونی و حقوقی از پدیده کودک همسری می‌باشد. هنجارهای فرهنگی و سنتی زمانی که از حمایت قانونی و قضایی برخوردار باشند، تشدید شده و مقابله با آن بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین ضرورت دارد که در قوانین مدنی و قضایی در باب ازدواج زیر ۱۸ سال بازنگری شود و راهکارهای مناسب حقوقی و فرهنگی برای مقابله با آن ارایه گردد.

دنیل مک اولیف^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت انگاری تا جرم انگاری» (۲۰۱۸) بیان می‌کند که ازدواج اجباری، ازدواجی است که بدون رضایت واقعی یک یا دو طرف واقع شده است. ازدواج اجباری، حق آزادی انتخاب همسر را نقض کرده و از مصادیق خشونت خانگی است. غالب بزه‌دیدگان ازدواج اجباری زنان بوده و مرتکبان نیز از بستگان بزه‌دیدگان هستند. این تحقیق به بحث ازدواج کودکان (کودک همسری) و ضرورت جرم انگاری آن پرداخته است.

اولیور فرانکلین^۲ در مقاله‌ای با عنوان «ازدواج کودکان، حق بر امنیت انسانی و چالش‌های حقوقی آن در نظام بین الملل حقوق بشر» (۲۰۱۹) بیان می‌کند که حقوق بشر یکی از مباحث مهم در حوزه حقوق بین‌الملل می‌باشد، به رسمیت شناخته شدن حقوق افراد منجر به صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) شد که در این اعلامیه حقوق بنیادین تمام افراد بدون در نظر گرفتن سن، جنس، رنگ، مذهب و... مورد حمایت قرار گرفت؛ مواد (۱، ۲، ۳، ۴، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۶) حقوقی از قبیل حق حیات، منع بردگی، حق تشکیل خانواده، توجه به تکامل شخصیت، حق داشتن شغل و برخورداری از سطح معیشت کافی برای سلامتی و رفاه را مورد شناسایی قرار داده است و در ماده ۲۵ به حقوق مادران و کودکان توجه ویژه‌ای شده است. به‌دنبال اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بنیادین کودکان به صورت مجزا در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۹۸) که کاملترین

¹ Mackoulief, Daniel

² Franklin, Oliver.



سند بین‌المللی حقوق کودکان می‌باشد، مورد حمایت قرار گرفت. محقق مسئله ازدواج کودکان را به عنوان مانعی برای دستیابی امنیت انسانی به اهدافش، معرفی می‌کند.

سؤالات تحقیق: پژوهش حاضر در پی پاسخ به این مسأله اصلی است که کودک همسری چه آثار و تبعاتی برای شخص کودک و جامعه دارد و در ذیل آن به بررسی سؤالات دیگری می‌پردازد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱. رویکردهای حقوقی بین‌المللی به مسأله کودک همسری چیست؟ ۲. سیاست‌گذار کیفی چه تدابیری برای پیشگیری از بحران کودک همسری دارد؟ ۳. حسب آمار وضعیت کودک همسری و تبعات آن در ایران کدام است؟

مبانی نظری

تبعات نامطلوب کودک همسری و زمینه‌سازی اعمال مجرمانه مرتبط با آن: مهمترین دلایلی که برای تغییر وضع کودک همسری و احکام مرتبط با آن ارائه شده است به آسیب‌ها و پیامدهایی باز می‌گردد که ازدواج در سنین پایین به همراه دارد. پیامدها و آثاری که به موضوع ازدواج در سنین پایین و به صورت خاص زیر ۱۴ سال نسبت داده می‌شود، دلیل اصلی ارائه شده برای ضرورت تغییر احکام شرعی و قانونی این موضوع است. از این نظر ازدواج در سنین پایین دارای پیامدهایی است که نه تنها زندگی فرد را به مخاطره می‌اندازد، بلکه پیامدهایی را نیز برای زندگی جمعی داشته و به آسیب‌های اجتماعی دامن می‌زند (اردکانی، ۱۳۹۲). در این بخش ابتدا موضوع اول یعنی بالاتر بودن طلاق‌ها در این گروه سنی و سپس موضوع دوم یعنی آسیب‌پذیری بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول زیر وضعیت کل طلاق‌ها در کشور و تعداد طلاق‌ها در گروه‌های سنی مختلف را نشان می‌دهد:

جدول ۴. مقایسه طلاق در گروه سنی‌های کمتر از ۱۰ تا ۳۴ سال در پنج سال اخیر (زوجه)

سال	کل طلاق‌ها	کمتر از ۱۰	نسبت به کل طلاق‌ها	۱۰ تا ۱۴	نسبت به کل طلاق‌ها	۱۵ تا ۱۹	درصد	۲۰ تا ۲۴	درصد	۲۵ تا ۲۹	درصد	۳۰ تا ۳۴	درصد
۱۳۹۵	۱۸۱،۰۴۵	۰	۰	۱،۱۲۸	۰/۶۲	۱۸،۳۲۸	۱۰/۱۲	۳۳،۸۵۳	۱۸/۶۹	۴۰،۳۶۴	۲۲/۲۶	۳۵،۹۳۰	۱۹/۸۴
۱۳۹۴	۱۶۳،۷۶۵	۰	۰	۱،۲۴۹	۰/۷۶	۱۸،۱۹۵	۱۱/۱۱	۳۲،۴۷۷	۱۹/۸۳	۳۷،۵۳۵	۲۲/۹۲	۳۱،۲۲۵	۱۹/۰۶
۱۳۹۳	۱۶۳،۵۶۹	۲	۰	۱،۲۶۷	۰/۷۷	۱۸،۵۱۰	۱۱/۱۳	۳۴،۲۰۵	۲۰/۹۱	۳۸،۱۱۰	۲۳/۲۹	۳۰،۵۸۹	۱۸/۷
۱۳۹۲	۱۵۵،۳۶۹	۱	۰/۰۰۱	۱،۲۰۳	۰/۷۷	۱۸،۵۰۰	۱۱/۹۰	۳۴،۲۴۴	۲۲/۰۲	۳۷،۴۴۲	۲۴/۰۹	۲۷،۷۱۰	۱۷/۸۳
۱۳۹۱	۱۵۰،۳۲۴	۱	۰/۰۰۰۶	۱،۰۷۷	۰/۷۱	۱۷،۷۲۰	۱۱/۷۸	۳۳،۶۱۹	۲۲/۲۶	۳۷،۳۱۶	۲۴/۸۲	۲۵،۹۶۴	۱۷/۲۷

مأخذ: سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال.



جدول ۵. نسبت طلاق به ازدواج بر حسب سن زوجه

سال	گروه سنی کمتر از ۱۰ سال	گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال	گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال	گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال	گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال	گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال
۱۳۹۱	۰/۵۳	۲/۶۶	۶/۶۸	۱۲/۲۳	۲۴/۰۵	۴۷/۵۱
۱۳۹۲	۰/۹۹	۲/۹۱	۷/۸۷	۱۳/۵۵	۲۵/۱۴	۴۹/۱۷
۱۳۹۳	۰	۳/۱۴	۸/۶۴	۱۵/۱۴	۲۶/۷۹	۵۱/۶۶
۱۳۹۴	۰	۳/۳۸	۹/۲۵	۱۵/۹۰	۲۷/۱۲	۵۰/۰۴
۱۳۹۵	۰	۲/۸۸	۹/۳۵	۱۶/۸۷	۲۸/۲۱	۵۱/۴۱

مأخذ: سالنامه آماری سازمان ثبت احوال.

در جدول ۵ به بررسی نسبت طلاق به ازدواج در گروه‌های سنی مختلف پرداخته شده است. در پنج سال اخیر نسبت طلاق به ازدواج در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر از ۲/۷ تا ۳/۴ درصد در نوسان بوده است. در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال این رقم در بیشترین نرخ خود به ۹/۲ رسیده که با ۵/۹ درصد افزایش مواجهه بوده است. در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال این رقم ۱۶/۸ درصد می‌باشد که بیان‌کننده افزایش چشمگیری در نسبت طلاق به ازدواج است. در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال این تفاوت برابر با ۲۸/۲ درصد است که نشان‌دهنده ادامه این روند افزایشی است و در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال این عدد به ۵۱/۶ درصد می‌رسد. به بیان دیگر، هرچه بر سن گروه‌های جمعیتی افزوده می‌شود نسبت طلاق به ازدواج افزایش می‌یابد. بنابراین تفاوت نسبت ازدواج به طلاق در گروه سنی ۱۴ سال و کمتر.

سال	کل طلاق‌ها	کمتر از یک سال	درصد	یک سال	درصد	دو سال	درصد	سه سال	درصد	چهار سال	درصد
۱۳۹۵	۱۸۱،۰۴۹	۱۹،۹۷۹	۱۱	۱۹،۴۱۸	۱۰/۷	۱۶،۲۴۰	۸/۹	۱۴،۰۰۶	۷/۷	۱۱،۶۰۳	۶/۴
۱۳۹۴	۱۶۳،۷۶۵	۲۱،۴۵۱	۱۳/۰۹	۱۸،۴۸۲	۱۱/۲	۱۴،۶۵۰	۸/۹	۱۲،۳۹۰	۷/۶	۱۰،۴۴۸	۶/۴
۱۳۹۳	۱۶۳،۵۶۹	۲۲،۸۶۰	۱۴	۱۸،۷۴۷	۱۱/۵	۱۵،۱۲۹	۹/۲	۱۲،۱۸۴	۷/۴	۱۰،۳۳۲	۶/۳
۱۳۹۲	۱۵۵،۳۶۹	۲۲،۰۳۵	۱۴/۲	۱۸،۶۵۹	۱۲	۱۴،۳۱۱	۹/۲	۱۱،۵۶۲	۷/۴	۱۰،۰۴۴	۶/۵
۱۳۹۱	۱۵۰،۳۲۴	۲۱،۱۲۷	۱۴/۱	۱۷،۷۱۹	۱۱/۸	۱۳،۸۳۰	۹/۲	۱۱،۸۳۴	۷/۹	۱۰،۰۹۴	۶/۷

مأخذ: سالنامه‌های آماری سازمان ثبت احوال.

جدول ۶. تعداد طلاق ثبت شده بر حسب طول ازدواج پنج سال اخیر

جدول ۷. بیشترین طلاق ثبت شده در طول زندگی زوجین



سال	طلاق ثبت شده نسبت به طول زندگی	بیشترین طلاق در گروه سنی (زوجه)
۱۳۹۵	کمتر از یک سال اول زندگی	۲۹ تا ۲۵ سال
۱۳۹۴	کمتر از یک سال اول زندگی	۲۹ تا ۲۵ سال
۱۳۹۳	کمتر از یک سال اول زندگی	۲۹ تا ۲۵ سال
۱۳۹۲	کمتر از یک سال اول زندگی	۲۹ تا ۲۵ سال
۱۳۹۱	کمتر از یک سال اول زندگی	۲۹ تا ۲۵ سال

مأخذ: همان.

با توجه به نسبت ۰/۷ درصدی طلاق در گروه سنی دختران ۱۴ سال و کمتر، به کل طلاق‌ها و همچنین با توجه به نسبت ۳/۲ درصدی طلاق‌ها نسبت به ازدواج‌ها در این گروه سنی و همچنین الگوی طلاق در کشور که بیشترین طلاق‌ها در سال اول زندگی و در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال انجام می‌شود، در خصوص این ادعا که طلاق در این گروه سنی نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر است، تردید جدی وجود دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که براساس شواهد فوق ازدواج‌های این گروه سنی دارای پایداری بیشتری نسبت به گروه‌های سنی دیگر هستند. یافته‌های تحقیق ترابی و مسگرزاده (۱۳۹۵) نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. «نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که افزایش میانگین سن در نخستین ازدواج در ایران، به ویژه در پنج دهه اخیر، همراه با افزایش میزان طلاق بوده است». بنابراین مشخص می‌شود که بخشی از موارد ازدواج در سنین پایین منجر به طلاق شده و به دلیل پیامدها و آثار منفی آن، این موضوع باید در کنار فاصله سنی غیر طبیعی زوج و زوجه مورد توجه قرار گرفته و تناسب میان زوج و زوجه در ازدواج‌های این گروه سنی با سخت‌گیری و حساسیت بیشتری اعمال شود. برای رفع این مسئله با توجه به محدودیت‌های استفاده از ابزار قانونی برای حل این مسئله به دلیل ماهیت فرهنگی و اجتماعی آن، در بخش پیشنهادها این گزارش راهکارهایی ارائه شده است. روشن است که در اینجا دلایل و علل تعداد طلاق در این گروه سنی محل بحث نمی‌باشد، بلکه صرفاً بررسی پیامدهای مطرح شده موردنظر بوده است. در خصوص دلایل این موضوع، سه نظریه بدیل وجود دارد که نیازمند بررسی تجربی است:

نظریه اول، علت پایین بودن طلاق‌ها را فقدان عاملیت و قدرت انتخاب در این گروه سنی می‌داند. به این صورت که به دلیل قدرت پایین تصمیم‌گیری دختران، طلاق در سال‌های اولیه زندگی صورت نمی‌گیرد و به دوره‌های بعد انتقال می‌یابد. در مقابل، نظریه دوم بر عنصر سازگاری بالا و پذیرش بیشتر زوجین نسبت به خصوصیات اخلاقی یکدیگر تأکید کرده و عامل طلاق کم در این گروه سنی را به ویژگی منعطف بودن آنان نسبت می‌دهد. در نظریه سوم علت پایین بودن طلاق‌ها در این گروه سنی این است که اگرچه ازدواج‌های این گروه سنی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سالگی ثبت می‌شود (صرفاً عقدشان خوانده شده و نامزد می‌شوند) اما



آغاز زندگی مشترک این افراد معمولاً بعد از ۱۵ سالگی بوده و به همین خاطر نیز میزان طلاق در این گروه سنی پایین است.

ترک تحصیل کودک ناشی از ازدواج: پیامد دیگری که به آن اشاره می‌شود ترک تحصیل و محروم ماندن دختران از آموزش به دلیل ازدواج در سنین پایین است. براساس این، ازدواج اصلی‌ترین و بزرگترین مانع ادامه تحصیل کودکان است و اولین علت ترک تحصیل در کودکان بالاخص دختران قلمداد می‌شود. برای بررسی این بعد از مسئله منابع مختلف آماری و تحقیقاتی مورد بررسی قرار گرفته است. به گفته کارشناسان آموزش و پرورش در حال حاضر حدود ۱۴۰ هزار دانش آموز بازمانده از تحصیل در مقطع اول تا ششم و در گروه سنی ۷ تا ۱۷ سال وجود دارند که در این بین، استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و آذربایجان غربی بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند (حیدرزادگان، ۱۳۹۶). با این حال، براساس آمار رسمی آموزش و پرورش هرساله حدود ۷۰۰ نفر از ۱۴۰ هزار نفر یعنی کمتر از نیم درصد این کودکان به دلیل ازدواج ادامه تحصیل نداده‌اند. اگر پراکندگی استانی آمار بازماندگان از تحصیل را با پراکندگی استانی آمار ازدواج در سنین پایین (ر.ک: جدول ۲ صفحه ۹) مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که تنها استان سیستان و بلوچستان در این مورد از هر دو حیث رتبه بالایی دارد و در استان دیگر که از جهت مسئله محرومیت از تحصیل در رتبه بالایی قرار دارند، از حیث ازدواج در سنین پایین، رتبه پایین‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. به صورت خاص استان کرمان از حیث نسبت ازدواج سنین پایین به کل ازدواج‌های استان در رده بیستم کشور قرار دارد (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۰).

بنابراین به عنوان نخستین شاخص، این مورد از طریق چنین تطابقی خدشه‌دار می‌شود. همچنین پاسخ رسمی نهاد اصلی متولی این حوزه بر نقش عامل ازدواج در مسئله محرومیت از تحصیل حاکی از تأثیر بسیار کم و در حد ناچیز عامل ازدواج بر بازماندگی از تحصیل کودکان است^۱. جدول زیر آمار بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ سال در سه سال اخیر را براساس رتبه‌بندی استانی نشان می‌دهد:

جدول ۱۸ آمار بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ سال در سه سال براساس رتبه بندی استانی^۲

^۱ پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۱۲۱۱۹۰/۲۰۰ عطف به نامه شماره ۹۳۱/۱۹۲۰۰

^۲ آمار اعلام شده توسط معاونت آموزش ابتدایی استان تهران عطف به نامه شماره ۱۲۱۱۹۰/۲۰۰



نام استان	تعداد بازماندگان از تحصیل ۶ تا ۱۱ ساله سال تحصیلی ۱۳۹۵	تعداد بازماندگان از تحصیل به دلیل ازدواج در سه سال اخیر	بازماندگان از تحصیل به طور تقریبی در هر سال آموزشی	درصد از کل
خراسان رضوی	۱۲,۴۶۱	۶۲۰	۲۰۵	۱/۶
سیستان و بلوچستان	۳۳,۳۲۷	۴۰۸	۱۳۶	۰/۴
آذربایجان شرقی	۳,۷۱۰	۳۶۲	۱۲۰	۳/۲
آذربایجان غربی	۷,۰۵۱	۱۳۴	۴۴	۰/۶
خوزستان	۱۲,۵۶۸	۱۸۷	۶۲	۰/۴
کرمان	۷,۲۲۵	۱۲۹	۴۳	۰/۵

مأخذ: پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۲۰۰/۱۲۱۱۶۰.

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد آمار محرومیت از تحصیل در استان‌ها در بیشترین میزان ۱ درصد و کمترین میزان ۴/۰ درصد است، امری که نشان‌دهنده تأثیر بسیار ناچیز ازدواج بر ترک تحصیل می‌باشد. به عبارت دیگر، ۶/۱ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل استان خراسان رضوی و ۴/۰ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل استان سیستان و بلوچستان و ۲/۳ درصد از دانش‌آموزان بازمانده از استان آذربایجان شرقی به دلیل ازدواج، از تحصیل محروم مانده‌اند.

آمار رسمی دیگری که در این زمینه وجود دارد مربوط به «طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل» است که در ۲۰ تیرماه ۱۳۹۵ به وسیله معاونت رفاه و امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شده است. در این طرح به شناسایی علل ترک تحصیل کودکان پرداخته شده و نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که ۸ هزار کودک به دلیل فقر و ۷ هزار کودک به دلیل معلولیت، ۳ هزار و ۵۵۴ کودک به علت مهاجرت از کشور، ۱ هزار و ۸۱۴ کودک به دلیل فوت، ۱ هزار و ۵۵۲ کودک به علت دوری از مدرسه، ۱ هزار و ۴۸۷ کودک به دلیل عدم تمایل، ۲ هزار و ۶۷۶ کودک به دلیل امتناع مدیر مدرسه از ثبت‌نام از چرخه تحصیل بازمانده‌اند و ۷۶۳ کودک نیز به تماس‌های گرفته شده پاسخی نداده‌اند. در این گزارش اشاره‌ای به ترک تحصیل به دلیل ازدواج نشده است که می‌تواند به دلیل نبود دانش‌آموزانی در نمونه این طرح تحقیقاتی باشد.^۱ با توجه به اینکه تحقیق در سال ۱۳۹۵ انجام شده است و موضوع تأثیر ازدواج بر ترک تحصیل یکی از موارد مطرح بوده؛ از عدم اشاره گزارش به تأثیر این عامل می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نقش این عامل کم‌رنگ است (فرضی‌زاده، ۱۳۶).

^۱ پاسخنامه معاونت آموزش ابتدایی استان تهران به شماره ۱۲۱۱۶۰/۲۰۰



نتایج پژوهش دیگری که در سه استان کردستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد توسط آموزش و پرورش و یونیسف با محوریت «علل ممانعت خانواده‌ها از تحصیل کودکان دختر» صورت گرفته است نشان می‌دهد که مهمترین علت ترک تحصیل این است که در دیدگاه والدین این کودکان «دختر مال دیگران است و تحصیل او صرفه اقتصادی ندارد و خانواده‌ها در صورتی با تحصیل دختران خود موافقت می‌کنند که هزینه تحصیل آنان توسط دولت پرداخت شود» (آتشک، ۱۳۸۸، ۶۵).

نقض حقوق بنیادین کودک در اثر ازدواج: یکی از آسیب‌هایی که در خصوص موضوع ازدواج سنین پایین با در نظر داشتن سن ۱۸ سال مطابق با کنوانسیون حقوق کودک به آن اشاره می‌شود، رعایت نشدن حق کودکی است. از این نظر دستیابی کودک به تحصیل، بازی، تأمین آتیه، حمایت والدین، حق دسترسی به بهداشت و تأمین سلامت حقوق اولیه برای کودک در نظر گرفته می‌شود و ازدواج سنین پایین، فرد را از تمام این موارد محروم می‌سازد. از این حیث ازدواج سنین پایین نوعی کودک آزاری و محرومیت از حقوق کودکی است و ازدواج در این گروه سنی بستری برای ایجاد خطرات احتمالی و تهدیدات به وجود آمده برای کودک است.

پژوهش یا مطالعه میدانی در خصوص توصیف وضعیت کودکانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند و مقایسه وضعیت دوره‌های مجرد و بعد از تأهل آنان وجود ندارد. اما می‌توان با توجه به موقعیت جغرافیایی که این ازدواج‌ها در آن رخ می‌دهد این فرض را مطرح کرد که تا چه حد افرادی که در سن پایین ازدواج می‌کنند از حقوق کودکی خود بهره‌مند می‌شوند و آیا ازدواج باعث بدتر شدن وضعیت آنها می‌شود یا ممکن است موقعیت آنها را تغییر دهد.

برخی صاحب‌نظران به این وجه مسئله توجه کرده و این مسئله را در درک چرایی ازدواج در سنین پایین طرح کرده‌اند «در برخی کشورهای در حال توسعه، ازدواج زودهنگام یک ابزار اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود و پیوندهای خانوادگی را تحکیم بخشیده و تضمینی برای باکرگی دختران قبل از ازدواج باشد که امیال جنسی ایشان را کنترل می‌کند و می‌تواند مانع از رسیدن دختران به سنی شود که جذابیت جنسی‌شان به عنوان همسر تحلیل رود (المو، ۱۳۸۶ به نقل از احمدی، ۱۳۹۶).

ناتوانی در اداره امور زندگی: مورد دیگر در خصوص موضوع ازدواج سنین پایین آماده نبودن فرد برای پذیرش نقش همسری یا مادری و ناتوانی او برای ایفای مسئولیت‌های محوله است. هرچند با طولانی شدن فرآیند آموزش در جوامع شهری افراد برای داشتن یک زندگی مستقل در سنین پایین با چالش‌های فراوانی مواجه خواهند بود، اما با توجه به اینکه هر فردی دارای توانمندی‌های خاص و ویژگی‌های شخصیتی منحصر



به خود است؛ نمی‌توان همه افراد را از لحاظ آمادگی پذیرش نقش در یک مجموعه جای داد. این موضوع را نباید از نظر دور داشت که ازدواج سنین پایین در مناطقی با فرهنگ‌های عرفی آن منطقه صورت می‌یرد. والدین و جامعه محلی فرد را برای پذیرش نقش احتمالی آماده می‌سازند و این امر خارج از فرآیند آموزش در یک سیستم رسمی است (عاصمی و یزدی، ۱۳۹۳).

مداخلات آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین: یکی دیگر از پیامدهای مورد اشاره درباره ازدواج در سنین پایین مداخله بی حد و حصر والدین در زندگی زوج‌های در سنین پایین است. البته این مورد می‌تواند بر اساس تجربه زیسته افراد بیان شده باشد، اما شواهد تجربی خاصی در این مورد وجود ندارد. تنها شواهد تجربی غیرمستقیم مرتبط با موضوع، یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ است که در آن افراد در پاسخ به این سؤال که «چقدر با اعمال نظر والدین در زندگی فرزندان پس از ازدواج موافق یا مخالفند» ۲۱ درصد پاسخ کاملاً مخالف، ۳۴ درصد مخالف، ۲۳ درصد نظری ندارم را داده‌اند و تنها ۱۸ درصد موافق و ۲ درصد کاملاً موافق این موضوع بوده‌اند. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که موضوع دخالت در زندگی فرزندان از حیث اجتماعی و عرف امر مذموم و ناپسندی بوده و نوعی بازدارندگی اجتماعی درباره آن وجود دارد (مقدادی، ۱۳۹۶).

مسئله دخالت آسیب‌زننده خانواده‌های زوجین، ارتباط مستقیم با مهارت‌های رفتاری یک فرد و توانایی مدیریت رفتاری او دارد. چه بسا افرادی که در سنین بالا اقدام به تشکیل خانواده می‌نمایند، بیشتر از افرادی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند از این مشکل رنج ببرند. بنابراین تأیید این گزاره در گرو انجام پژوه‌های میدانی و توصیف وضعیت افرادی است که در سنین پایین تشکیل خانواده داده‌اند. با این حال داشتن زندگی مستقل از والدین یک ایده خاص برای زندگی است که اگرچه تحت تأثیر فرهنگ شهری و مدرن‌گسترش یافته و همه گیر شده، اما همچنان میزان وقوع آن در مناطقی که ازدواج‌های در سنین پایین در آن رخ می‌دهد، پایین است. به عبارت دیگر اساس این موضوع مسئله این مناطق و الگوی زندگی مرسوم در آن نیست. با این احتمال وقوع پدیده مزبور با توجه به پیامدهای بسیار مخرب و منفی آن، ضرورت توجه به امکان‌های پیشگیرانه در این موضوع را مطرح و توجه به آن را لازم و ضروری می‌سازد (مسگرزاده، ۱۳۹۵).

یکی از مواردی که با توجه به گروه سنی موردنظر در خصوص ازدواج‌های سنین پایین مطرح می‌شود مسئله اجباری بودن این ازدواج‌هاست. اگرچه در این خصوص نیز تحقیق مستقلی وجود ندارد که به صورت مشخص نشان دهد چه میزان از ازدواج‌های این سنین به صورت اجباری و بدون توجه به نظر دختران یا علی‌رغم میل و نظر آنها انجام شده است، اما به دلیل اینکه اساساً این افراد فاقد امکان و عاملیت لازم برای



چنین موضوعی هستند، این مورد به عنوان یکی از پیش فرض‌های عمومی و پذیرفته شده درباره ازدواج در سنین پایین طرح شده و در تحقیقات مختلف به صورت مکرر از اجباری بودن به عنوان صفت این ازدواج و برای توصیف آن استفاده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶؛ مظفریان، ۱۳۹۵ عاصمی، ۱۳۹۳، افتخارزاده، ۱۳۹۵؛ ولدخانی، ۱۳۹۵).

یافته‌ها

رویکردهای حقوقی بین‌المللی به پدیده کودک همسری: در معاهدات و اسناد بین‌المللی تأکید بر انجام ازدواج در وضعیت مطلوب، آزادی انتخاب و رضایت طرفین به دفعات دیده می‌شود. علاوه بر این تأکیدات، یکی از دغدغه‌های معاهدات و اسناد یاد شده تأکید بر اهمیت تعیین سن مطلوب برای ازدواج است. از این رو کشورهای عضو سازمان ملل متحد ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند. این سن باید به گونه‌ای تعیین گردد که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود (غدیری، ۱۳۹۶، ۱۵). براساس این، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۵ طی قطعنامه‌ای با عنوان «توصیه درباره رضایت از ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج‌ها» در اصل دوم خود بیان می‌دارد که تعیین حداقل سن ازدواج در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد (ارحامی و مرتجی، ۱۳۹۰، ۷۰).^۱

بند «۲» ماده (۲۳) میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، حق ازدواج را مختص به زنان و مردانی می‌داند که به سن ازدواج رسیده‌اند (سن مشخصی در این میثاق اعلام نشده است. همچنین در ماده (۱۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به حق ازدواج مردان و زنانی که به سن ازدواج رسیده‌اند تأکید شده است، اما در این کنوانسیون نیز به سن مشخصی برای ازدواج اشاره نشده است.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند، از سوی دیگر، در کنوانسیون حقوق کودک اتمام سن کودکی ۱۸ سال اعلام شده است. بنابراین، سازمان ملل در تعریف ازدواج زودهنگام

^۱ اصل دوم به کشورهای عضو به منظور تعیین حداقل سن ازدواج، که در هر حال نباید کمتر از ۱۰ سال باشد، باید اقدام قانونی به عمل آورند، هیچ ازدواجی نباید به وسیله هیچ شخصی کمتر از این سن به صورت قانونی به ثبت برسد مگر در شرایطی که مقامی صالح به دلایل جدی، به نفع زوجی که قصد ازدواج دارند با ازدواج آنان موافقت کرده باشد.

^۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل، مصوبه ۲۹ دسامبر ۱۹۹۹ در زمره مهمترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که منعکس کننده حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر است (سایت پژوهشکده باقرالعلوم).



می‌گوید: ازدواج زودهنگام عبارت است از هر ازدواجی که در سنین زیر ۱۸ سالگی صورت گرفته باشد (احمدی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).

بند «۲» ماده (۱۶) عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب سال ۱۹۷۹ این طور بیان می‌کند که «نامزدی و ازدواج کودک اثر حقوقی ندارد و دولت‌ها باید حداقل سن ازدواج را تعیین کنند و ثبت رسمی ازدواج را الزامی سازند». کمیته رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان در تفسیر عمومی شماره ۲۱ خود تحت عنوان برابری در ازدواج و روابط خانوادگی^۱ پیشنهاد می‌کند سن ازدواج برای مردان و زنان ۱۸ سال باشد. اخیراً براساس بند «۱۹» تفسیر عمومی مشترک کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق کودک در نوامبر ۲۰۱۴، سن ۱۸ سال برای ازدواج براساس تصمیم دادگاه نهایتاً به ۱۶ سال قابل تقلیل است (غدیری، ۱۳۹۶). با عنایت به آنچه در مفاد اسناد یاد شده، آمده است، سن مطلوب برای ازدواج بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نوسان بوده و بر سر سن مشخص اجماع و اتفاق نظری در اسناد بین‌المللی وجود ندارد. به عبارتی، در قطعنامه‌ها و اسناد بین‌المللی پیش از آنکه بر سن معینی تأکید شود، نحوه انجام ازدواج و شرایط آن حائز اهمیت بوده است. در این اسناد تأکید شده، ازدواج باید به گونه‌ای صورت پذیرد که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را به شکلی که در قانون مشخص است، ابراز کنند.

در نهایت، ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که «مردان و زنان بالغ، بدون هیچ محدودیتی از حیث نژاد و ملیت یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده‌ای بنیان نهند». در این ماده به سن خاصی اشاره نشده و بلوغ را شرط ازدواج برشمرده است. نکته مهم در این ماده اشاره به صفت مردان و زنان بالغ است که می‌تواند به مبنای ضرورت بلوغ برای ازدواج تفسیر شود.^۱ رویکردهای سیاست‌گذار کیفری به پدیده کودک همسری: براساس آنچه گفته شد و با توجه به وجود مواردی که ضرورت دقیق‌تر کردن شرایط و شاخص‌های تصمیم‌گیری پیرامون اهلیت ازدواج و به تبع آن صدور اجازه ازدواج را نشان می‌دهد، دو رویکرد قابل شناسایی است:

الف) رویکرد تغییر حداقل سن برای ازدواج،

ب) رویکرد تغییر حداقل سن با در نظر گرفتن شرایط.

^۱ یکی از ابزارهایی که به وسیله آن کمیته حقوق بشر عملکرد تفسیری خود نسبت به میثاق و شفافیت محدوده و مفهوم مواد میثاق را بیان می‌نماید، توسعه و ارائه نظرات کمیته در قالبی است که از آن تحت عنوان «تفسیر عمومی» کمیته حقوق بشر یاد می‌شود. مقررات میثاق هم مشابه سایر معاهدات حقوق بشری گاهی در قالب مفاهیم کلی عنوان شده‌اند و از این‌رو در مواجهه با آنها ممکن است تفاسیر گوناگونی از سوی دولت‌های عضو صورت پذیرد. کمیته حقوق بشر به وسیله تفسیر عمومی که نسبت به چنین مواردی صادر می‌نماید از بروز حاد شدن این گونه اختلافات تفسیری جلوگیری می‌نماید.



رویکرد تعیین حداقل سن: رویکرد اول بر افزایش حداقل سن ازدواج و ممنوعیت قانونی ازدواج‌های زیر این سن تمرکز دارد. در این رویکرد، تعیین سن برای ازدواج، مبنا قرار گرفته است. زیرا تعیین یک سن مشخص باعث ایجاد رویه‌ای روشن و معین است و سبب ایجاد نظم و جلوگیری از به وجود آمدن رویه‌های مختلف می‌شود، اما از جهتی این یکسان‌سازی باعث ایجاد یک الگوی ثابت برای همه افراد می‌گردد و به شرایط متفاوت زیستی و اجتماعی افراد توجهی نداشته و تنوع در زیست‌ها، اقلیم‌ها و عرف‌های مختلف را مدنظر قرار نمی‌دهد. علاوه بر این تعیین سن و در نتیجه یکسان‌سازی با محوریت سنین بالا باعث ایجاد فاصله زمانی طولانی بین سن بلوغ و سن قانونی ازدواج می‌گردد. از منظر دیدگاه اول، افراد زیر ۱۸ سال فاقد قابلیت و توانایی‌های لازم برای تشکیل زندگی و خانواده هستند و براساس این، در بسیاری از کشورهای غربی سن قانونی ازدواج ۱۸ سال یا بالاتر در نظر گرفته شده است. اغلب این کشورها قائل به سن رضایت جنسی هستند و راهکار ارائه شده برای رفع نیاز جنسی از سن بلوغ تا سن قانونی ازدواج را رابطه جنسی مبتنی بر رضایت طرفین می‌دانند.

این گروه با ضروری دانستن شناسایی بلوغ‌های چندگانه برای ازدواج از منافع ازدواج به عنوان تأمین نیاز جنسی چشم می‌پوشند و از پیامدهای آن غافل می‌شوند. در حالی که بی‌توجهی به فاصله سنی بین بلوغ تا سن قانونی ازدواج باعث به وجود آمدن روابط پیش از ازدواج می‌شود که پیامدها و مشکلات مختلفی را به همراه دارد. شیوع بیماری‌های مقاربتی، تغییر الگوی نهاد خانواده، ایجاد خانواده‌های تک نفره با گسترش روابط همباشی، افزایش سن ازدواج، گریز از خانه و... از جمله این پیامدهاست. از سوی دیگر، ممنوعیت قانونی و مبنا قرار دادن سن مشخص برای ازدواج ایجاد یک حکم استعلایی بر مبنای تصمیم‌گیری دولت‌هاست که بی‌توجه به شرایط زیست افراد بوده و همچنین با موازین شرعی منطبق نمی‌باشد.

دیدگاه لحاظ حداقل سن با در نظر گرفتن سایر شرایط: تفاوت دیدگاه این گروه با دسته نخست توجه به مسئله بلوغ و دخیل بودن سایر شرایط و پایبند نبودن به متغیر تقویمی سن در موارد خاص است. این رویکرد هرچند قائل به سن است، اما دیگر شرایط را نیز از نظر دور نمی‌دارد و اگر افراد به سن موردنظر نرسیده باشند با احراز شرایط می‌توانند ازدواج کنند. به بیان دیگر، شرایط افراد نقش مهمی در کسب مجوز ازدواج دارد. این رویکرد به دلیل جلوگیری از پراکندگی در امور و ایجاد رویه‌ای قانونی به تعیین سن الزام دارد، اما نسبت به شرایط افراد نیز بی‌توجه نبوده و با بررسی شرایط، ازدواج در زیر سن قانونی را میسر می‌داند و با تعریف این رویه، بستر قانونی برای ازدواج افراد دارای شرایط را مسدود نمی‌کند. این نوع نگاه در قوانین



مدنی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ازدواج حاکم است. بنابراین، با بررسی سیر تغییرات قوانین ازدواج در ایران مشاهده می‌شود که همواره قانونگذار علاوه بر در نظر داشتن سن از شرایط افراد نیز غافل نبوده است. این رویکرد با محور قرار دادن سن تعیین شده توسط روانشناسان و فعالان حقوق کودک مبتنی بر کنوانسیون حقوق کودک به عنوان مبنا برای تعیین زمان ازدواج موافق نیستند، بلکه زمان مطلوب برای ازدواج را منوط به فراهم بودن شرایط روحی و جسمی فرد می‌دانند و از این جهت، مهمترین شرط ازدواج را توانمندی لازم افراد در زمینه مصلحت سنجی فردی و اجتماعی خود معرفی می‌کند.

این نگاه هر چند از ممنوعیت قانونی سخن می‌گوید، اما با تبصره الحاقی اذن ولی برای ازدواج زیر سن تعیین شده و رأی دادگاه صالحه شرایط فرد را در نظر گرفته و برای افراد با شرایط خاص استثنا قائل می‌شود. از این رو از رویکرد نخست کامل‌تر و منعطف‌تر است و برای تمام افراد یک الگوی یکسان صادر نمی‌کند و به شرایط زیست و زندگی افراد توجه می‌کند. ازدواج افراد را می‌توان در این رویکرد به سمت مبنا قرار گرفتن شرایط برای ازدواج تغییر داده و همسو کرد. زیرا معیار قرار گرفتن شرایط برای ازدواج به تمام جوانب زندگی فرد توجه دارد و از وجوه مختلف آن غافل نمی‌شود. این رویکرد به شرایط افراد نسبت به تحولات و نیازهای دوره بلوغ و ارضای غریزه جنسی بی‌تفاوت نبوده و با توجه به اینکه زمینه‌های تحریک جنسی در جامعه بیش از گذشته است، این موضوعات را در ارائه الگوی قانونگذاری جهت تعیین سن ازدواج در نظر می‌گیرد.

مسئله نفوذ قانون اگرچه از حیث پراکندگی ازدواج در سنین پایین (۱۰ تا ۱۴ سال) در همه استان‌های کشور دیده می‌شود با این حال براساس گزاراها و تحقیقات کیفی مختلف، روستاها و نواحی حاشیه شهرها کانون اصلی این ازدواج‌ها به شمار می‌رود. مناطقی که قانون در آن نفوذ بسیار اندکی داشته و حضور عناصر قانونی کم رنگ و محدود به موارد بسیار خاص است. حتی در مواردی چون اعمال قانون سربازی نیز در این مناطق مشکلات و دشواری‌های زیادی وجود دارد.

بنابراین به اذعان بسیاری از فعالان این حوزه نه تنها تأثیر ابزار قانون برای اصلاح برخی مسائل مرتبط با موضوع ازدواج در سنین پایین اندک است بلکه استفاده نامناسب از ابزار قانونی مثل ممنوعیت مطلق و جرم انگاری آن می‌تواند موجب افزایش تعداد ازدواج‌های غیرثبتهی در این مناطق شده و موجب محرومیت مضاعف جامعه هدف شود. به عبارت دیگر در صورتی که ابزار قانون به صورت هوشمندانه و مؤثری با توجه به وضعیت فرهنگی - اجتماعی و تفاوت‌های محیطی به کار گرفته نشود، نه تنها موجب حل مسائل



موجود در این مسئله نخواهد شد، بلکه می‌تواند نتایج و پیامدهای منفی در این موضوع ایجاد کرده و عملاً وضعیت افراد ازدواج کرده در سنین پایین را که دارای مسائل و چالش‌هایی هستند، بدتر سازد.

ازدواج سفید: پدیده ازدواج سفید نخستین بار در پی جنبش آزادی تن با هدف ایجاد تغییراتی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایالات متحده آمریکا صورت گرفت و برآن بود که برقراری شرایط عادلانه و مساوی برای زنان بکوشد؛ لکن بعدها به انقلاب جنسی بدل شد و نتیجه آن، رفتارهای ناهنجار و بی‌بندوباری بود که اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی که به اشتباه، آزادی زنان نام گرفت (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵). ازدواج سفید که به معنای هم‌باشی نیز شناخته می‌شود، پیوندی است که به مدت نامعلوم بین زن و مرد بسته می‌شود و فاقد مشروعیت قانونی و اجتماعی است (آقایی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵).

ازدواج سفید نوعی رابطه عاطفی -جنسی بین زن و مرد بدون صیغه عقد نکاح است که تأثیرپذیری از امکانات ارتباطی نوین، پذیرش آموزه‌های فمینیسمی، گسترش روابط دختر و پسر، مشکلات اقتصادی و عدم مسئولیت‌پذیری تأثیر شگرفی در ظهور و بروز آن دارد (علی پور، شیری و محمدطاهر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴). از بین رفتن امنیت و آرامش روانی، احساس از دست دادن شرافت، دوری از معنویت من جمله، آسیب‌های فردی ازدواج سفید است که در کانون خانواده و جامعه خطرانی نظیر افول ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده، سقط جنین و تنزل جایگاه زن و کاهش جمعیت را در پی دارد (علی پور، شیری و محمدطاهر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴).

در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای ازدواج سفید زندگی می‌کردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید. در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت. این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا در قالب ازدواج سفید با یکدیگر زندگی می‌کنند (قنبریان، ۱۳۹۵، ص ۵). تا ابتدای دهه نود، گزارش مستمر و برجسته‌ای از وجود روابط هم‌باشی در هیچ یک از منابع رسمی دولتی و غیردولتی به چشم نمی‌خورد؛ اگرچه برخی شواهد و گزارش‌های غیررسمی به وجود این روابط در کلان شهرهایی مانند تهران اشاره داشت.

بر اساس داده‌های رسمی سازمان آمار ایران (۲۰۱۶) بیش از نیمی از جمعیت این کشور، کمتر از ۳۰ سال، ۳۸/۸ درصد زیر ۲۴ سال و ۱۴/۸ درصد نیز بین ۱۵ تا ۲۴ سال سن دارد. افزون بر این، ۹۹/۶ درصد ایرانیان مسلمان‌اند و ۷۴ درصدشان در مناطق شهری زندگی می‌کنند. این درحالی است که ۲۸/۳۳ درصد مردان و ۱۹/۴۷ درصد زنان بالای ۱۵ سال ازدواج نکردند. این آمار همچنین اضافه می‌کند که ۴۸ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال ایران دانش آموز یا دانشجو هستند. شایان توجه است که ازدواج سفید اغلب در



گروه‌های جوانان و دانشجویان می‌دهد، که طی سال‌های آینده سبک‌های جدید زندگی در شهرهای کوچک و بزرگ ایران گسترش زیادی پیدا کند (احمدوند شاهرودی، رضاپور و غلامعلی لواسانی، ۱۳۰۰، ص ۴۱)

نتیجه‌گیری

بررسی موضوع «ازدواج در سنین پایین» و «سن مناسب ازدواج» حکایت از آن دارد که وضعیت موجود در حوزه ازدواج در سنین پایین آن‌گونه که گفته می‌شود؛ بحرانی و حاد است و ضرورت دارد که براساس آن سیاست‌گذار کیفی اقدام به تغییراتی در رویه کنونی بنماید. تحلیل متغیرهای جمعیت شناختی نشان می‌دهد که براساس آمار رسمی، ۵ درصد ازدواج‌های کشور در این گروه سنی رخ داده و عمده آن‌ها در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و در همه استان‌های کشور نیز دیده می‌شود. افزون بر این، فاصله سنی زوج و زوجه عمدتاً در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۵ سال و ۵ تا ۱۰ سال است. براساس نتایج این بررسی در خصوص پیامدها و آثار موضوع از جهات: میزان طلاق، ترک تحصیل، بارداری و مرگ و میر کودکان و مادران، رضایت جنسی، خشونت خانگی و معذک وضعیت این گروه سنی نسبت به سایر گروه‌های سنی غیر عادی و بعضاً بحرانی است.

هم‌زمان با آنکه پیامدهای یاد شده در این گروه سنی در مقایسه با سایر گروه‌های سنی، به لحاظ آماری در وضعیت نامطلوبی قرار دارد؛ به دلیل شکنندگی و آسیب‌پذیری بالای این گروه سنی و شرایط خاص آنان، موارد زیر قابل توجه بوده و می‌بایست رفع آنان با تغییرات قانونی در دستور کار قرار گیرد. این موارد عبارت است از:

۱. وجود موارد غیر طبیعی از فاصله سنی بالای ۲۰ سال تا ۵۵ سال میان زوج و زوجه در ازدواج‌های ثبت شده در این گروه سنی.
۲. وجود مواردی از طلاق در این گروه سنی.
۳. وجود مواردی از تأثیر عامل ازدواج در ترک تحصیل دانش‌آموزان.
۴. وجود مواردی از عدم رضایت جنسی و خشونت‌های خانگی گزارش شده.
۵. احتمال مهارت‌های پایین زندگی.
۶. احتمال دخالت‌های آسیب‌زننده خانواده‌ها.
۷. احتمال خطر بارداری و مرگ مادران در صورت عدم رعایت مراقبت‌های لازم. از سوی دیگر، با توجه به اینکه در قوانین و مقررات بین‌المللی و عرف جهانی در خصوص سن مناسب ازدواج نوعی تمایل

عمومی به سمت سنین بالای ۱۵ سال برای دختران و ۱۸ سال برای پسران دیده می‌شود از این جهت نیز اعمال تغییرات در شرایط اذن ازدواج زیر سن قانونی قابل توصیه است.

با امعان نظر به مباحث مطرح شده، پیشنهاد پژوهش حاضر ترمیم رویه حاکم بر نظام حقوقی ایران با هدف دقیق‌تر شدن این نظام حقوقی از طریق اضافه نمودن موارد زیر به شرایط اهلیت ازدواج در سنین پایین است:

۱. تخصصی شدن تشخیص اهلیت و صلاحیت افراد برای ازدواج با مشارکت دستگاه‌هایی چون وزارت بهداشت، سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، نیروی انتظامی.
۲. ممنوعیت مطلق ازدواج با دختری که به بلوغ جنسی نرسیده است.
۳. ممنوعیت فواصل غیر طبیعی سن زوجه و زوج و جرم‌انگاری آن.
۴. جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل دختران متأهل در مدارس روزانه.
۵. ایجاد تکلیف قانونی برای گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی در قالب مشاوره پیش از ازدواج و ارائه گواهی آن به دفاتر ثبت به عنوان یکی از شروط صدور اجازه ازدواج.

منابع و مأخذ

۱. آتشک، محمد. بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش، فصلنامه شورای فرهنگی زنان، ش ۴۴، ۱۳۸۸.
۲. آقایی، مجید. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۱۶، ۱۳۹۸، قابل دریافت از: <http://pzk.journals.miu.ac.ir>
۳. احمدی، کامیل. طنین سکوت (پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران)، نشر و پژوهش شیرازه، تهران، ۱۳۹۶.
۴. ارحامی، آسیه و سمانه، مرتجی. نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاست‌گذاری در حوزه ازدواج، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۵۱۵۲، ۱۳۹۰، قابل دریافت از: <https://rc.majlis.ir/fa/report/download/998817>
۵. اردکانی، محمدرضا. خشونت خانگی در ایران (مرور مطالعات ۱۳۸۷-۱۳۸۰)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۵۰، ۱۳۹۲، قابل دریافت از: https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1354&sid=1&slc_lang=fa
۶. افتخارزاده، زهرا. «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام»، ۱۳۹۴.

۷. اقدسی، علینقی و زینال فام، افسانه. «عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دختر دبیرستان های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰»، ۱۳۹۰.
۸. بروجردی، لیلی. تدبیر قانونی در سن ازدواج، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۷.
۹. حسن زاده، حسن. «بررسی تأخیر در سن ازدواج پسران در استان کردستان»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، ۱۳۹۰، قابل دریافت از: <https://rc.majlis.ir/fa/report/download/1069117>
۱۰. رستمی دوم، مرضیه. شیوع اختلالات قاعدگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان ۱۸-۴۵ ساله ایرانی در چهار استان منتخب کشور، نشریه علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه شهید بهشتی، سال هفدهم، شماره دوم، تیر ماه ۱۳۹۴، قابل دریافت از: <http://ijem.sbmu.ac.ir/article-1-1898-fa.html>
۱۱. سلیمانی زاده، لاله. بررسی حاملگی‌های پرخطر در زایشگاه مهدیه شهر بم، مجله دانشکده علوم پزشکی شهرکرد، ش ۲، ۱۳۹۳.
۱۲. شیر کرمی، جواد. ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ش ۲۶، ۱۳۹۱، قابل دریافت از: <https://www.sid.ir/paper/183403/fa>
۱۳. حیدر زادگان، علیرضا. «فرصت های آموزشی دانش آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان (برابر یا نابرابر)»، مجله مطالعات و برنامه ریزی، دوره ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۶، قابل دریافت از: http://eps.journals.umz.ac.ir/article_1725.html
۱۴. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۴.
۱۵. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۳.
۱۶. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۲.
۱۷. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۱.
۱۸. سازمان ثبت احوال، سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، دریای نور، ۱۳۹۰.
۱۹. فدایی، بهروز. تأثیر سن مادر بر عوامل و پیامدهای بارداری، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ش ۱۴۵، ۱۳۹۰.
۲۰. فرضی زاده، زهرا. «بررسی موانع تحصیل دختران روستایی»، مجله تعلیم و تربیت، جلد ۳۳، ش ۱، ۱۳۹۶، قابل دریافت از: <http://qjoe.ir/article-1-335-fa.html>

۲۱. قانعی راد، محمدامین و عزلتی، فاطمه. «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاستگذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج»، مجله مسائل اجتماعی ایران، ش ۷، ۱۳۸۹، قابل دریافت از:

<http://ensani.ir/fa/article/314188>

۲۲. قنبریان، مهدی. بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)، کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، حقوق و مدیریت، ۱۳۹۶.

۲۳. گزارش «نظام کشوری مراقبت از مرگ مادری»، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت بهداشت دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، اداره سلامت مادران، ویرایش دوم، ۱۳۹۵.

۲۴. گزارش «ملل متحد در زمینه اچ آی وی و ایدز»، دبیرخانه کارگروه کشوری ایدز (وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی)، ۱۳۹۰.

۲۵. گزارش «طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل» معاونت رفاه و امور اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵.

۲۶. گزارش پیشرفت کنترل ایدز جمهوری اسلامی ایران درباره پایش اعلانیه تعهد مصوب اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان، ۱۳۹۵.

۲۷. عاصمی، زهرا و عاطفه یزدی. بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام و دیر هنگام بر رضایت زناشویی زنان، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، ۱۳۹۳.

۲۸. علی‌پور، رضا و طهمورث شیری و محمودرضا محمدی. بازنمایی پدیده‌های اجتماعی در (رسانه‌ها) پیرامون پدیده ازدواج سفید، فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۹.

۲۹. غدیری، ماهر و سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه خانواده پژوهی، ش ۴۵، ۱۳۹۶، قابل دریافت از: https://jfr.sbu.ac.ir/article_97217.html

۳۰. غیائی، پروین و معین، لادن و روستا، لهراسب. «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز»، فصلنامه زن و جامعه، ۱۳۸۹.

۳۱. مقدادی، محمدمهدی و جوادپور، مریم. «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۱۱، ش ۴۰، ۱۳۹۶، قابل دریافت از:

<https://ijmedicallaw.ir/article-1-705-fa.html>



۳۲. مسگرزاده، سجاد و ترابی، فاطمه. «جامعه مخاطره آمیز و میانگین سن زنان و مردان در اولین ازدواج در ایران»، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، ش ۴، ۱۳۹۵، قابل دریافت از:

https://jwdp.ut.ac.ir/article_60966.html

۳۳. مظفریان، رایجه. حلقه (نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران)، روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۹۵.

۳۴. یاراحمدی، علی. «بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چندسطحی»، ۱۳۹۱.

۳۵. ولدخانی، مریم و همکاران. «تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران»، ۱۳۹۵.